

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



خیزش عظیم و دلاورانه توده های بجان آمده بر علیه نظام استثمارگرانه حاکم در هفته های اخیر نه تنها جلوه ای از قدرت تاریخی بیکران توده های تحت ستم بر علیه دشمنانشان را به نمایش گذارد، بلکه ماهیت سرکوبگر و جنایتکار رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در جریان قلع و قمع وحشیانه این جنبش آزادیخواهانه را با وضوح بی سابقه در مقابل افکار عمومی هویدا کرد. در مصاف دلیرانه ای که در طول هفته ها بین امواج خروشان اقیانوس به حرکت آمده از قدرت توده ها با مزدوران تا بن دندان مسلح رژیم ضد خلقی حاکم به وقوع پیوست، صد ها تن از جوانان و مردم به پاخاسته جان باختند و هزاران تن زخمی و یا دستگیر و در سیاهچالهای دژخیمان حکومت به اسارت دشمن درآمدند. شماری از این دستگیر شدگان به وحشیانه ترین شکلی در هفته های گذشته در زیر شکنجه های دژخیمان جمهوری اسلامی جان باختند و اجساد آنها با رفتاری که تنها از قاتلین حرفه ای و ضد خلقی بر می آید به خانواده های داغدارشان تحویل شد. البته چنین رفتار ضد خلقی ای برخلاف انتظار مقامات جمهوری اسلامی منجر به مرعوب و تسلیم گشتن مردم به پاخاسته در مقابل اراده جلاذات حاکم نگشت و برعکس آتش نفرت عمومی را هر چه بیشتر بر علیه رژیم جمهوری اسلامی گداخت.

واضح است که رویدادهای اخیر بطور طبیعی خواست آزادی تمامی دستگیر شدگان وقایع اخیر و نه تنها آنها بلکه آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی را با برجستگی به یک خواست عمومی و قاطع توده ها و به ویژه خانواده های مقاوم و نگران اسرای ما تبدیل کرده است. بی دلیل نیست که اکنون شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" در هر تجمع مردمی کوچک یا بزرگ با قدرت و طنین فریاد زده می شود و توده های تحت ستم ما با تمام وجود خواست آزادی تمامی اسرایشان از چنگال دشمن را فریاد می زنند. درک همین واقعیت و گستردگی آن در شرایط ملتبه کنونی در جامعه ما باعث شده که حتی جناحی از طبقه حاکمه (امثال موسوی و کروبی) که هر یک در دوره های مختلف، مظهر خونین ترین جنایات جمهوری اسلامی بر علیه زندانیان سیاسی بوده اند برای فریبکاری و استفاده از نیروی توده ها در جریان تضادهای قدرت طلبانه خویش با جناح مقابل در درون حکومت مجبور به تکرار این شعار توده ای یعنی خواست "آزادی دستگیر شدگان" شوند. به خصوص که در جریان حوادث اخیر شماری از "شخصیتها" ی وابسته به اصلاح طلبان نیز توسط نیروهای رژیم دستگیر و به زندان افتاده اند.

گزارشات منتشره حاکی از آنند که مزدوران جمهوری اسلامی در شرایطی که سیاه چالهای رسمی و غیر رسمی شان را از هزاران تن از جوانان و توده های مبارز پرکرده اند، با شکنجه زندانیان که گاهی به مرگ دلخراش آنان نیز منجر شده (نظیر نمونه کشتن وحشیانه ترانه موسوی) حتی جرات اعلام آمار واقعی دستگیر شدگان را ندارند، در مقابله با حرکات اعتراضی و تجمعات روزمره خانواده های دلیر زندانیان به سرکوب و ضرب و شتم آنها پرداخته و حتی از انتشار محل نگهداری فرزندان مردم خودداری می کنند.

بر بستر چنین شرایطی ست که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به یکی از اولویتهای برجسته مبارزه جاری در داخل ایران و به تبع از آن مبارزات خارج کشور تبدیل شده و تجمعات اعتراضی مختلفی برای جلب افکار عمومی برای آزادی دستگیر شدگان و رساندن صدای خانواده های زندانیان سیاسی در کشورهای مختلف براه افتاده است.

از سوی دیگر با برجسته شدن شعار فوق ما شاهد موضع گیری نیروهای سیاسی مختلف حول این مساله هستیم که هر کدام منعکس کننده درک های مختلف آنها بوده و نهایتاً از منافع و اهداف طبقاتی مختلفی حکایت می کند که نیروهای حامل آن هنگام سر دادن این شعار به مثابه یک خواست دمکراتیک، در نظر دارند.

نخستین نکته در بررسی این مساله این است که گرچه در ظاهر امر شعار آزادی زندانیان سیاسی به مثابه یک شعار عمومی و خواست دمکراتیک و عادلانه جنبش انقلابی توده های تحت ستم ماست که همانگونه که گفته شد به ویژه در شرایط اخیر برجستگی خاصی پیدا کرده است، اما صرف تکرار این شعار دمکراتیک توسط هر نیرویی چهره و ماهیت دمکراتیکی به آن نیرو نمی دهد و نشان دهنده ماهیت مردمی آن نیرو نیست. کما این که امروز بخشی از نیروی "اپوزیسیون" ضد خلقی که رسماً و عملاً طرفدار بخشی از هیات حاکمه یعنی جناح موسوی و شرکا می باشد، شعار آزادی زندانیان سیاسی را سر می دهد. بدیهی ست که در پلاتفرمهای فعالیتهای چنین نیروهایی، آگاهانه حتی کلمه ای از ضرورت سرنگونی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی که ۲۰ سال است ایران را به زندانی بزرگ و شکنجه گاهی برای کارگران و زحمتکشانش، توده های ستمدیده، زنان، جوانان، دانشجویان و در یک کلام خلقهای تحت ستم ایران بدل کرده به چشم نمی خورد. (رجوع کنید به پلاتفرمهای حرکتی این طیف و بویژه سازماندهندگان اعتصاب غذای اکبر گنجی در نیویورک) و باز بدیهی است که این موضع یعنی موضعی که خواهان حفظ رژیم جمهوری اسلامی از طریق قدرت گیری جناح دیگری از رژیم هستند، بویژه از سوی برخی از قدرتهای امپریالیستی و محافل و سازمانهای مستقیم و غیر مستقیم وابسته به این قدرتها نیز بشدت تایید می شود.

درک این واقعیت بویژه برای نیروهای مبارز صادق و پویانده حقیقی راه ستمدیدگان در هنگام سازمان دادن حرکات اعتراضی در خارج کشور بسیار مهم و حیاتی ست. نباید اجازه داد در شرایطی که امپریالیستها و مترجعین در جریان جنبش جاری با هزار و یک ترفند

و با استفاده از بلندگوها و امکانات وسیع تبلیغاتی خود در صدد انحراف مسیر جنبش توده های به پاخاسته بر علیه نظام حاکم و انداختن آن به زیر پرچم جنایتکارانی از خود طبقه حاکم هستند، شعارها و خواسته های حق طلبانه مردم به پاخاسته و از جمله خواست آزادی زندانیان سیاسی و تمامی دستگیر شدگان خیزشهای اخیر مصادره گشته و با پلاتفرمهای راستی آراسته گردد که حتی خارج از خواست افراد مبارز به وسیله ای برای بهره برداری نیروهای مرتجع و ضد انقلابی بدل می گردد. برای احتراز از این امر شدیداً ضروری است که پلاتفرم های نیروهای مبارز و انقلابی بطور کاملاً شفاف نشان دهد که آنها برخلاف کسانی که می خواهند جنبش کنونی را در چهار چوب تضادهای درونی طبقه حاکمه محصور کند خواهان نابودی تمامیت رژیم جمهوری اسلامی می باشند.

بنابراین، نیروهای انقلابی و مبارز، هنگام مطرح کردن شعار آزادی زندانیان سیاسی و تمامی دستگیر شدگان وقایع اخیر با تمام قوا بایداین حقیقت را به مردم توضیح دهند که وجود زندانی سیاسی، شکنجه و اعدام ذاتی حیات نظام سرمایه داری حاکم بر کشور ما و رژیم پاسدارش جمهوری اسلامی می باشد، و رهایی قطعی توده های تحت ستم ما از هر گونه قید و بندی، تنها با در هم شکستن کلیت نظام استثمارگرانه حاکم و رژیم جمهوری اسلامی امکان پذیر است. با توجه به این واقعیات است که مبارزه برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی باید با تشدید مبارزه برعلیه نظامی که زندان و اعدام ذاتی آن است، همراه و به این اعتبار با مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی گره بخورد.

در حمایت از جنبش حق طلبانه توده ها در داخل کشور باید با تمام قوا مبارزه برای آزادی بدون قید و شرط تمامی اسرای دربند را ادامه داد. باید با تمام قوا از خواست خانواده های رنج دیده مبنی بر انتشار اسامی ناپدید شدگان و زندانیان و محل نگهداری آنها پشتیبانی کرد. و باید چهره پلید و جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی را هرچه وسیعتر در افکار عمومی خارج از کشور افشا نمود و فریاد حق طلبانه خانواده های زندانیان سیاسی را در سطحی هر چه وسیعتر منعکس کرد. این اقدامات مبارزاتی را بدون دچار شدن به تردید و مماشات طلبی باید زیر شعار روشن و شفاف **"جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد"** به پیش برد تا از هر گونه سوء استفاده نیروهای راست و ارتجاعی از مبارزه نیروهای انقلابی در این زمینه جلوگیری نمود. این موضع واقعی اکثریت قاطع توده های تحت ستم ما و خواست قلبی خانواده های جانبازان وقایع اخیر، زندانیان سیاسی و تمامی اسرای دربند ماست.

جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد!

زندانی سیاسی آزادی باید گردد!

زنده باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدایی خلق ایران

دوم مرداد ۱۳۸۸ - ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۹